

جایگاه مطالعه در اسلام

زهرا اسدی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۲۲ تاریخ چاپ: ۱۴۰۱/۰۳/۳۱

چکیده

مطالعه یکی از ارکان اصلی زندگی و بقای انسان ها است. انسان به وسیله مطالعه و تفکر می آموزد که چگونه در برابر نا ملایمات و مشکلات به زندگی خود ادامه میدهد. چگونه زندگی و حیات خود و دیگر انسان ها را راحت تر و مرفه تر کنند بنابراین مطالعه افراد در جامعه هم برای خود فرد سودمند است و هم برای جامعه بشری مفید است. در دین مبین اسلام و کلام الله مجید کسب علم و دانش و به تبع آن، مطالعه و کتابخوانی از ارزش و اعتبار خاصی برخوردار است. مطالعه از آنجایی ارزش و اهمیت می یابد که معجزه پیامبر اکرم (ص) کتاب بوده و وحی الهی و پیام الهی در قالب کتاب بر مردم ابلاغ شده است و در این کتاب مقدس هم اولین آیاتی که بر پیامبر (ص) نازل شده با امر به خواندن و الفاظ علم و قلم همراه شده است. پژوهش حاضر جایگاه مطالعه در اسلام را مورد بررسی قرار داده است. در این پژوهش با تکیه بر آیات و روایات، روش های مطالعه صحیح را مطرح نموده و در راستای ترویج فرهنگ توسعه مطالعه و کتابخوانی راهکارهایی را ارائه نماید. در این پژوهش نشان داده می شود که در اسلام کتاب و مطالعه به عنوان یک استراتژی بی بدیل برای رشد و تعالی فرد و جامعه مورد توجه قرار گرفته است. این مطالعه به روش کتابخانه ای انجام شده که جهت گردآوری مطالب آن از منابع کتابخانه ای استفاده شده است. در این پژوهش از روشی نظام مند استفاده می شود. سعی بر این بود که آیات و روایات را تحلیل نموده و در راستای تبیین و توضیح بحث مورد مطالعه از آن ها استفاده شود.

واژگان کلیدی

کتاب، مطالعه، علم، قرآن، اسلام، کتابخانه

۱. کارشناسی ارشد علوم تربیتی.

مقدمه

مطالعه در لغت به معنای نگرش به چیزی و تفکر درباره آن و درک کردن و وقوف به آن معنا می شود و دین اسلام یکی از ادیانی است که بیشتر از هر دین و مذهبی به کتاب و لزوم مطالعه توجه نشان داده است همانطور که در روایات هم به این موضوع اشاره شده است که حضرت علی (علیه السلام) در این باره فرموده اند: من در عجبم از مردی که به غذای جسم خویش اهمیتی دهد اما نسبت به کتاب و مطالعه که برای تغذیه روح آنان است این چنین بی اعتنا هستند.

مطالعه به عنوان یک مهارت اجتماعی، نردبان ترقی و تکامل هر ملت است که مطالعه و رشد افراد و جوامع هم بستگی بسیار بالایی وجود دارد. همچنین که در روایات اسلامی کتاب به عنوان میراثی عظیم و ماندگار و عنصری شگرف و با ارزش در عرصه زندگی بشر معرفی شده است زیرا کتاب همچون دریچه ای است به سوی جهان شگفت انگیز علم و معرفت و مطالعه راهی است بسیار ساده و عملی برای پرورش استعدادهای خداداد انسان و آموزش و علوم و فناوری که او را در مسیر رشد و تکامل راهنمایی کند و اگر بتوانیم مطالعه را در انسان به صورت عادت در بیاوریم دیگر ارتباط او با جهان دانش و آگاهی سخت نخواهد بود و بدون هیچ زحمتی خواهد توانست از راه مطالعه درک و اندیشه خود را نسبت به جهان هستی رشد و تعالی بخشید، زیرا انسان هیچ گاه بی نیاز از مطالعه نبوده است همانطور که رهبر معظم انقلاب در سخنان خود فرمودند: امروز کتابخوانی و علم آموزی نه تنها یک وظیفه علمی بلکه یک واجب دینی است که باید در جامعه اسلامی همگانی و فراگیر شود.

بنابراین پژوهش حاضر در پی آن است که با بررسی جایگاه برجسته کتاب و کتابخوانی در آیات قرآن کریم و احادیث معصومین (علیهم السلام) شیوه های بهره گیری مطلوب از این هدیه الهی را تبیین نموده و با ارائه شیوه های راهبردی، راهکارهای اثربخش نمودن فرایند مطالعه و همچنین ترویج فرهنگ کتاب و کتابخوانی را تحلیل و بررسی نمایند.

پیشینه کتاب و کتابت در اسلام

کتاب یعنی اوراق منظمی که حاوی یک سلسله مسائل علمی و اندیشه های ژرف نگران می باشد. کتاب و نوشته، حافظ علوم بشری و قطعه محصولات فکری و وسیله انتقال علوم به دیگران و روشنگر زمان ها و فصل ها است که در فرهنگ تمدن اسلامی، کتاب جایگاه ویژه ای دارد و همواره به آن عنایت شده است، اسلام یگانه دینی است که معجزه اش، کتاب و نخستین پیام آن، امر به خواندن است تنها راه انتقال علوم گذشتگان به این عصر، کتاب بوده که در روایات نیز به آن تأکید شده است و اهل بیت عصمت و طهارت، سفارش بسیار زیادی در امر کتابت و نگارش مطالب علمی به صورت مطلق از کتاب و کتابخوانی دارند. از سوی دیگر همه احادیث و روایاتی که از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و امامان معصوم درباره کتاب و کتابخوانی و دانش اندوزی نقل شده است ادامه دستورها و اهداف قرآن مجید بوده، مبین اهمیت آن در رسیدن به کمال دنیوی و اخروی انسان ها و جوامع است. البته در همه مراحل مطالعه و علم آموزی و نگارش و انتقال آن به دیگران، در هر عصر و زمانی، جهت گیری انسان باید به سمت پروردگار و در پرتوی

انوار معنوی و معارف و رضای الهی باشد در این جهت روایتی از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) بدین مضمون نقل شده است:

صاحب قلم را روز قیامت در تابوتی آتشین که با قفل های آتشین بسته شده است، بیاورند، پس نگاه کنند که قلم را در چه جهت به جریان انداخته است، اگر قلم را در اطاعت و رضای الهی به کار گرفته باشد، از تابوت بیرون آورده می شود. ولی اگر از قلم در راه معصیت خداوند بهره جست به اندازه ۷۰ سال خواهد ماند^۱.

حکمت نوشتن و آثار مترتب بر آن

اخبار و روایات متعدد شیعه و سنی اولین آفریده خداوند را قلم دانسته اند. هرچند قلم در این معنا دارای وجه رمزی تکوینی است و قضای الهی را افاده می کند ولی انتخاب آن به عنوان رمز اراده پروردگار در پدیدآوردن نقطه جهان هستی و اعتبار ملکوتی قلم در حکمت اسلامی حکایت دارد. همانگونه که «ام الکتاب» به مثابه رمز علم الهی بر رفعت مقام و منزلت «کتاب» دلالت می کند. این امر مهم هنگامی اهمیت صدچندان می یابد که به یادآوریم نزول «وحی» بر پیامبر اسلام با امر به «خواندن» آغاز می شود؛ و تعلیم و تعلم ناسوتی و لاهوتی مبتنی بر «قلم» مُلکی و ملکوتی را مورد تأکید قرار می دهد:

عبدالله عمر گفت: رسول (صلی الله علیه و آله وسلم) را گفتم: یا رسول الله شاید تا آنچه را بشنوم از احادیث بنویسم تا فراموش نکنم. گفت: روا باشد، بنویس.^۲

بر این مبنای ایمانی، امام صادق (علیه السلام) در باب حکمت «نوشتن» مضمون بلندی را بیان فرمودند که دالّ بر رابطه مستقیم بین «ثبت مطلب» و «ثبات قلب» نویسنده و خواننده است: دل به نوشته اعتماد پیدا می کند.

این معنا ناظر به ظاهر و باطن نوشته است، زیرا به وجه ظاهر، اشاره به اعتماد نویسنده به بقای خویش و نیز اعتماد خواننده به اعتبار مطلب مورد نظر دارد.

چه امکان حفظ نوشته و موارد استفاده آن همواره موجب اطمینان خاطر طرفین است و با گفت و شنود موقت و ناپایدار در زمان و حافظه، قابل قیاس نیست.

از پیامبر بزرگ اسلام منقول است که فرمود: «قِيدُوا الْعِلْمَ، قِيلَ: وَ مَا تَقْيِيدهُ؟ قَالَ: كِتَابَتُهُ؛ علم را به دام افکنید، گفته شد: چه چیزی دام آن است؟ فرمود: نوشتن آن.»^۳

فضیلت علم در قرآن

اصل کلمه علم ۸۰ بار در قرآن کریم در موانع گوناگون تکرار شده و مشتقات آن مانند يَعْلَمُونَ و يَعْلَمَ و... بارها به کار برده شده است. «هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ» قرآن با تفاوت قایل شدن بین فرد عالم و جاهل پیروان

١٤٩٥٣. علي بن حسام الدين متقي، كنز العمال في سنن الأفعال و الأفعال، ج ٦ و ٥، ص ١٤٩٥٣.

۲. تفسیر شیخ ابو الفتوح رازی، روض الجنان وروح الجنان فی تفسیر القرآن نشر بنیاد و پژوهش های اسلامی آستان قدس همان، چاپ اول، ج ۱۲، ص ۱۲۹.

۲. محمد باقر، ساعدی خراسانی، آداب تعلیم و تعلم در اسلام، مرکز نشر مکتب الاعلام الاسلام، چاپ اول، ص ۳۴۰.

خود را پیوسته به آموزش علوم و کسب دانش فرا می خواند و ارزش آن را یادآور می شود و نقش آن را در ابعاد گوناگون زندگی در قالب تمثیلات و تشبیهات ترسیم می کند. علم را نور و جهل را تاریکی می خواند مدارج عالی و مقامات رفیع را مختص عالمان و اندیشمندان مؤمن می داند: «يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ؛ خداوند کسانی که ایمان آورده اند و کسانی را که علم به آنان داده شده درجات عظیمی می بخشد.»

کدام مقام بالاتر از آن که قرآن، عالمان را مرجع علم و محور مراجعات معرفی کرده و از مردم خواسته است که مجهولات خود را با آنان در میان بگذارند؟ «فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ؛ اگر نمی دانید از آگاهان پرسید.» از دیدگاه قرآن یکی از ویژگی های علم و دانش دوام و ماندگاری منافع آن است و اجر و پاداش آن هم حتی پس از مرگ بر انسان همچنان ادامه پیدا خواهد کرد.

آموزش و آموختن در جهان آفرینش از ارج ویژه ای برخوردار است و خداوند سبحان اولین معلم انسان است: «الرَّحْمَنُ عَلَّمَ الْقُرْآنَ، خَلَقَ الْإِنْسَانَ، عَلَّمَهُ الْبَيَانَ؛ خداوند رحمان، قرآن را تعلیم داد، انسان را آفرید به او بیان آموخت.»

در مورد اهمیت دادن اسلام به علم همین بس که خداوند به عنوان اولین معلم، همه ی علمی که مورد نیاز مردم بود از طریق وحی به سفیران خویش فرو فرستاد. در قرآن پیرامون دانش انبیاء اشاراتی شده است به خصوص دانش حضرت آدم «وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَّفَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَقَالَ انبِئُونِي بِأَسْمَاءِ هَؤُلَاءِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ»

دانش حضرت داود: «فَهَزَمُوهُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ وَقَتَلَ دَاوُدُ جَالُوتَ وَآتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ وَالْحِكْمَةَ عَلَّمَهُ مِمَّا يَشَاءُ وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ وَلَكِنَّ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْعَالَمِينَ»

دانش یعقوب: «وَلَمَّا دَخَلُوا مِنْ حَيْثُ أَمَرَهُمْ أَبُوهُمْ مَا كَانَ يُغْنِي عَنْهُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا حَاجَةً فِي نَفْسٍ يَعْقُوبَ قَضَاهَا وَإِنَّهُ لَذُو عِلْمٍ لِمَا عَلَّمْنَاهُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ.»

دانش طالوت به عنوان یک فرمانده نظامی: «وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا قَالُوا أَنَّى يَكُونُ لَهُ الْمُلْكُ عَلَيْنَا وَنَحْنُ أَحَقُّ بِالْمُلْكِ مِنْهُ وَلَمْ يُؤْتَ سَعَةً مِنَ الْمَالِ قَالَ إِنَّ أُصْطَفَاةً عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ وَاللَّهُ يُؤْتِي مُلْكَهُ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ»

در مورد حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) نیز توجه به این نکته کافی است که بعثت پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) با ذکر مسائل مربوط به علم نظیر آموختن، قرائت و قلم آغاز شده است.

آموختن (... وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ)

قرائت (اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ، خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ، اقْرَأْ وَ رَبُّكَ الْأَكْرَمُ، الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ، عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ) قلم (ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ).

لذا از ویژگی های نظام آموزشی در قرآن که مقدمه آن علم آموزی است می توان به موارد زیر اشاره نمود:

۱- کرامت محور تعلیم و تربیت الهی

۲- تأمین آموزش و پرورش برای همه ی افراد

۳- نبودن محدودیت مکانی

فضیلت علم در احادیث

نمونه های بسیاری درباره ی علم و اهمیت آن در قرآن کریم می باشد که به اندازه ای است که می توان کتابها درباره ی آن نگاشت. همچنین در احادیث موارد بسیاری در تجلیل از علم و فضیلت علماء یافت می شود که ذیلاً به نمونه هایی از آن اشاره می شود:

قال رسول الله: خَيْرُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ مَعَ الْعِلْمِ وَشَرُّ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ مَعَ الْجَهْلِ

خیر دنیا و آخرت همراه علم و شر دنیا و آخرت همراه جهل است.

آنچه پیامبر اکرم خیر دنیا و آخرت می داند، سرچشمه همه خوبی هاست. علم نه فقط در دنیا بلکه در آخرت نیز مایه ی سعادت و نیک بختی است و یک چنین چیزی باید ارزشمند باشد که اینگونه توصیف شده است. در مقابل جهل منشا وریشه همه بدبختی ها در دنیا و آخرت دانسته شده است، انسان جاهل روی سعادت را در هیچ یک از دو عالم نمی بیند به همین جهت است که در دیدگاه پیشوایان معصوم ما، مردم سه دسته بیشتر نیستند: یا عالم اند یا متعلم و یا بی ارزش.

قال امیرالمومنین: الْعِلْمُ أَفْضَلُ شَرَفٍ؛ لَا شَرَفَ كَالْعِلْمِ؛ أَشْرَفُ الشَّرَفِ الْعِلْمُ. علم برترین شرافت است. هیچ شرافتی همچون علم نیست، شریف ترین شرافت ها علم است.

همین شرافت برای علم کفایت می کند که کسی که آنرا خوب بلد نیست مدعی آن می شود و اگر او را عالم بخوانند شاد می گردد و در نگوشتش جهل همین کافی است که جاهل از آن بیزاری می جوید. شرافت و عظمت علم هم نزد مردم است و هم نزد خدا و با معیارهای خداپسندانه.

قال امیرالمومنین: ان الْعِلْمَ حَيَاةُ الْقُلُوبِ وَنُورُ الْإِبْصَارِ مِنَ الْعَمَى وَقُوَّةُ الْإِبْدَانِ مِنَ الضُّعْفِ؛ هَمَانَا عِلْمُ حَيَاتٍ دَلْهَا وَنُورُ دِيدَانٍ اسْتَوْنِ وَنُورُ بَخْشِ بَدَنِهَا نَاتَوَانِ

علم نوری است که مایه ی حیات روح و قلب انسان است؛ یعنی بدون این نور، قلب زنده نیست و نشانه های زندگی را ندارد. مقصود از دیدگان در فرمایش امیرالمومنین هم می تواند ابصارالقلوب باشد و هم ابصارالعیون، یعنی دیدگان دلها و دیدگان چشم ها، هم چشم دل می شود و هم چشم سر، هر دو این ها نور می خواهد قلب انسان بدون نور علم نابینا و چشم انسان هم بدون نور بصر کور است.

قال امیرالمؤمنین (علیه السلام): يَا أَيُّهَا النَّاسُ! اْعْلَمُوا إِنَّ كَمَالَ الدِّينِ طَلَبُ الْعِلْمِ وَالْعَمَلُ بِهِ أَلَا وَ إِنَّ طَلَبَ الْعِلْمِ أَوْجَبُ عَلَيْكُمْ مِنْ طَلَبِ الْمَالِ؛ اَي مردم بدانید که دین هنگامی کامل و درست است که علم بیاموزید و علم خود را به کاربندید. آگاه باشید که تحصیل علم واجب تر از تحصیل مال است.

از حدیث مذکور می توان استنباط کرد که در سایه علم، ایمان کامل می شود چون انسان جاهل در دنیایی تاریک و ظلمت جهل به سر می برد ولی انسان عالم با مطالعه و کسب علم به فلسفه آفرینش پی می برد و به وجود خالق مقتدر و مدبر ودانا یقین حاصل می کند به دستورات الهی عمل می کند و به دنیایی روشن و شناخت قدم می گذارد.

این چند مورد که نمونه های بسیار دیگری از آنها در آثار حدیثی مسلمانان به دست می آید. نشان می دهد که نه تنها اسلام با دانش و علم تضادی ندارد، بلکه به نحوی ملازم آن است و ائمه اسلام به طور موکد بارها تکرار کرده اند که هیچ عبادت و فریضه ای بدون کسب آگاهی و بصیرت از مؤمنان پذیرفته نیست.

در واقع اگر هم در برخی ادیان و مکاتب دیگر، نزاعی میان علم و دین وجود داشته باشد، ربطی به اسلام ندارد و دلیل بزرگ آن توجه به آیات قرآن کریم و احادیث مأثور است که همگی مؤمنان را به دانش و آگاهی روز افزون دعوت می کند.

حکمت نوشتن و آثار مترتب بر آن

اخبار و روایات متعدد شیعه و سنی اولین آفریده خداوند را قلم دانسته اند. هرچند قلم در این معنا دارای وجه رمزی تکوینی است و قضای الهی را افاده می کند ولی انتخاب آن به عنوان رمز اراده پروردگار در پدیدآوردن نقطه جهان هستی و اعتبار ملکوتی قلم در حکمت اسلامی حکایت دارد. همانگونه که «ام الکتاب» به مثابه رمز علم الهی بر رفعت مقام و منزلت «کتاب» دلالت می کند. این امر مهم هنگامی اهمیت صدچندان می یابد که به یادآوریم نزول «وحی» بر پیامبر اسلام با امر به «خواندن» آغاز می شود؛ و تعلیم و تعلم ناسوتی و لاهوتی مبتنی بر «قلم» ملکی و ملکوتی را مورد تأکید قرار می دهد:

عبدالله عمر گفت: رسول (صلی الله علیه و آله وسلم) را گفتم: یا رسول الله شاید تا آنچه را بشنوم از احادیث بنویسم تا فراموش نکنم. گفت: روا باشد، بنویس.^۴

بر این مبنای ایمانی، امام صادق (علیه السلام) در باب حکمت «نوشتن» مضمون بلندی را بیان فرمودند که دال بر رابطه مستقیم بین «ثبت مطلب» و «ثبات قلب» نویسنده و خواننده است: دل به نوشته اعتماد پیدا می کند.

این معنا ناظر به ظاهر و باطن نوشته است، زیرا به وجه ظاهر، اشاره به اعتماد نویسنده به بقای خویش و نیز اعتماد خواننده به اعتبار مطلب مورد نظر دارد.

چه امکان حفظ نوشته و موارد استفاده آن همواره موجب اطمینان خاطر طرفین است و با گفت و شنود موقت و ناپایدار در زمان و حافظه، قابل قیاس نیست.

از پیامبر بزرگ اسلام منقول است که فرمود: «فَیَدُّوا الْعِلْمَ، قِيلَ: وَ مَا تَقِیْدُهُ؟ قَالَ: کِتَابَتُهُ؛ علم را به دام افکنید، گفته شد: چه چیزی دام آن است؟ فرمود: نوشتن آن.^۵

اولین کتاب و اولین کتابخانه در اسلام

دردهن نقاد و جستجوگر انسان، معمولاً اولین ها در هر رشته و موضوع، جاذبیت خاصی دارد. این بدان علت است که انسان علاقه دارد بداند اولین کسی که کاری را انجام داده و یا سخنی گفته و یا سنت نیکویی را بر جای گذاشته که بوده

^۴تفسیر شیخ ابوالفتوح رازی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن نشر بنیاد و پژوهش های اسلامی آستان قدس همان، چاپ اول، ج ۱۲، ص ۱۲۹.

۵محمدباقر، ساعدی خراسانی، آداب تعلیم و تعلم در اسلام، مرکز نشر مکتب الاعلام الاسلام، چاپ اول، ص ۳۴۰.

است؛ به عبارت دیگر اگر دانستن تاریخ و سرگذشت زندگی انسان برای انسان موضوعیت داشته باشد که دارد، طبعاً آغازگران در هر رشته و کاری جایگاه خاصی خواهند داشت. همیشه اولین ها به عنوان نقطه عطفی در تاریخ یک موضوع حائز اهمیت است و سرآغاز فصل جدیدی در آن زمینه خواهد بود.

از این گذشته توجه به اولین ها در هر مورد خود یک نوع ارزش گذاری و پاسداری از یک موضوع است. روایت است که هر کس سنت نیکویی از خود بجا گذارد برای او اجر آن عمل و اجر کسانی که تا روز قیامت به آن عمل کند خواهد بود؛ بنابراین دانستن اینکه کسانی که به نحوی در تکامل تمدن بشری سهم داشته اند و با تلاش خود بر گنجینه و ذخایر انسانی چیزی قابل توجه افزوده اند، خود دارای ارزش و اهمیت است. علاوه بر آن دانستن، ذکر کردن و ثبت نمودن هر اثر به نام فرد حقیقی و حقوقی ای که مبدع آن است خود تشویق به امر خیر است و تقدیر از کار نیک و نیکوکار و کم ترین سیاسی است که جامعه بشری به بنیانگذاران خیر و نیکی تقدیم می کند و در این رابطه چه مسئله ای مهم تر و ارزشمندتر از کتاب و کتابخانه ها که سهم مؤثر و والایی در ساختمان تمدن بشری داشته اند.

اولین کتاب در اسلام

شک نیست که وقتی سخن از پدیدآورنده اولین کتاب به میان می آید اشاره به کتابهایی است که توسط بزرگان اسلام نوشته شده است و این اعم از این است که آن کتابها هم اکنون موجود باشند و یا دست تطاول زمان آنها را از بین برده باشند و نیز اعم از این است که آن کتابها از شهرت کافی برخوردار باشند و یا شهرت نداشته باشند زیرا سخن در اولین هاست و این مسئله ایجاب می کند که حق کسانی که در این زمینه پیش قدم بوده و زحمت کشیده اند ضایع نشود. از آنجا که مسلمانان پس از کلام خدا بیشترین اهتمام را نسبت به جمع آوری و ضبط احادیث داشتند لذا اولین کتب و نگارش ها مربوط به حدیث و آثار مربوط به آن است. صاحب کشف الظنون در ذیل ماده الحدیث کلامی از بعضی از بزرگان نقل می کند که عبدالمملک بن جریر و مالک بن انس، اولین کسانی بوده اند که کتابت کرده اند و چنین نقل قول می کند که گویا کتاب ابن جریر و موطا مالک از اولین کتب توصیف شده^۶.

کتاب «ابن جریر» در آثار و حروف التفاسیر از مجاهد و عطادر مکه است. سپس معمر بن راشد ضعانی در یمن، آنگاه کتاب موطا مالک بن انس و پس از آن جامع سفیان ثوری است وی چنین اضافه می کند: صحیح این است که اولین کتاب که در اسلام تصنیف شده مربوط به امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) است که کتاب خدا را جمع آوری کرد. سپس سلمان فارسی، آنگاه ابوذر غفاری، بعد از آن اصبع بن نباته، سپس عبدالله بن رافع و در آخر صحیفه کامله سجادیه امام زین العابدین است.^۷

^۶ مترجم یوسف بیگ باباپور و مصطفی بن عبدالله حاجی خلیفه. کشف الظنون عن اسامی الکتب والفنون ناشر سفیر اردهال ۱۳۹۳، ص ۶۳۷.

^۷ علی بن موسی ثقه الاسلام تبریزی. مرات الکتب، مقدمه ناشر عبدالله ثقه الاسلامی قم. ۱۳۶۸.

آقای علی اکبر غفاری می گوید: نخستین کتابی که در طول تاریخ حدیث در خصوص حدیث و روایت تدوین شده است کتاب «جامعه» یا «صحیفه» است که به املاء رسول خدا و به خط حضرت علی (علیه السلام) بوده است.^۸

ابن ندیم کتاب سلیم بن قیس متوفای ۹۰ هجری را اولین کتاب شیعه می داند و قاضی بدرالدین سبکی هم در کتاب محاسن الوسائل فی عدد الاوائل می گوید: اولین کتابی که برای شیعه نوشته شده کتاب سلیم بن قیس هلالی بوده است.

اولین کتابخانه در اسلام

در واقع تعیین اولین کتابخانه ای که در اسلام رسماً افتتاح و یا شروع به کار کرده است کار دشواری است؛ زیرا در دوران تمدن اسلامی کتابخانه های فراوانی اعم از عمومی، اختصاصی، شخصی و آموزشگاهی بوده و پاره ای از آنها از شهرت و عظمت فراوانی برخوردار بوده اند و شاید اهمیت و عظمت برخی از کتابخانه ها سبب شده تحقیق بر روی اولین ها کمتر صورت گیرد.

خلفای بنی عباس از بزرگ ترین مشوقان در زمینه تأسیس کتابخانه بوده اند. آنان مدارس برپا کردند و کتابخانه های نفیسی برای آنها ایجاد نمودند. از آنجا که خلیفه خود علاقه مند به شراکت در مجالس علم بود. سعی می کرد که خود نیز از علوم و فنون بهره ای داشته باشد و بر گرد خود دانشمندان، ادیبان و شاعران را جمع کند و آنان را بنوازد.^۹

قلقشندی می گوید: گفته می شود بزرگ ترین کتابخانه ها در اسلام ۳ تا بوده اند: اولی آن کتابخانه خلفا، بنی عباس در بغداد است که در آن کتب فراوانی وجود دلشت و از نظر نفاست هم بیمانند بود و این کتابخانه تا زمان هجوم مغول ها به بغداد بر سر پا بود. سپس از دو کتابخانه دیگر سخن به میان میآورد و آن دو را کتابخانه فاطمیون در مصر و کتابخانه خلفاء بنی امیه در آندلس می داند.

در سال ۱۰۶۴ خواجه نظام الملک در نظامیه بغداد کتابخانه عظیمی به سلیقه اشاعره و صوفیه برای دانشجویان و روشنفکران تأسیس کرد.

خلیفه مستنصر بالله عباسی در سال ۱۲۳۳ کتابخانه بزرگی برای ملل و نحل مختلف شرق بغداد بنیان نهاد که صدها کتابدار و صدها هزار جلد کتاب خطی در آن موجود است.

و اکنون حتی صد یک آن باقی نمانده است. تعداد کتابخانه های خصوصی نیز بسیار بود. نام و شمار تعدادی از کتابخانه های بزرگ در تمدن اسلامی به اختصار به این شرح است:

بیت الحکمه بغداد با ۴/۰۰۰/۰۰۰ جلد

کتابخانه شاپور در بغداد با ۱۰/۰۰۰ کتاب

کتابخانه الحکمه در قرطبه با ۴۰۰/۰۰۰ کتاب

۸ علی اکبر، غفاری، مقاله "تاریخ تدوین حدیث"، کیهان اندیشه، شماره ۲۰، ص ۵۴.

۹ عواد، گرگیس، خزائن الکتب القدیمیة فی العراق وناشر دارالراید العربی سال ۱۴۰۶، ص ۱۰۱.

کتابخانه سلطنتی و خاندان سلطنتی در قاهره با ۱۰۰/۰۰۰ کتاب

کتابخانه طرابلس ۳/۰۰۰/۰۰۰ کتاب

کتابخانه مراغه با ۴۰۰/۰۰۰ کتاب

در تحقیق در مورد اولین کتابخانه ها باید گفت از آنجا که کتابخانه معمولاً ابزار کار آموزش بوده و آموزش هم در اسلام همزمان با تأسیس مساجد آغاز شده و سپس در مدارس ادامه یافت، لذا می توان چنین نتیجه گرفت که از همان روزگار نخستین که مساجد و مدارس ساخته شد، کتابخانه ها نیز به نوعی در کنار آنها پدید آمده است. کتابخانه ها بیشتر در مسجد و نهادهای آموزشی وجود داشتند و چندان فراوان بودند که به سختی می توان مسجدی یا بنیاد علمی بی داشتن کتابخانه ای در دسترس دانشجویان پیدا کرد؛ و نیز کمتر مدرسه ای در عراق، خراسان، سوریه و مصر پیدا می شد که کتابخانه به توانمندی مالی خود مدرسه بستگی داشت.

گورگین عواد در کتاب تاریخ کتابخانه های قدیمی در عراق، کتابخانه های موجود در عراق را در دوران تمدن اسلامی به ۵ بخش تقسیم می کند:

بخش اول: کتابخانه های خلفاء در بغداد که در ذیل آن از کتابخانه های منصور، هارون الرشید به نام خزائن الحکمه و تعدادی دیگر از خلفاء یاد می کند.

بخش دوم: کتابخانه هایی که به شاهان و سلاطین اختصاص دارد و در ذیل آن نام کتابخانه عضدالدوله اشاره دارد.

بخش سوم: کتابخانه های عمومی را یاد می کند که در آن کتابخانه های حیدریه در نجف، دارالعلم و کتابخانه وقف در موصل دارالکتب در بصره، دارالعلم در بغداد که کتابخانه شاپور هم نام دارد.

بخش چهارم: کتابخانه های وزراء را در عراق بر می شمرد و در ذیل آن از کتابخانه یحیی بر مکی و... یاد می کند.

بخش پنجم: کتابخانه های شخصی که به ترتیب از قرن دوم تا قرن هشتم آنها را معرفی می کند.

از آنچه تاکنون گفته شد چنین می توان نتیجه گیری کرد که صرف نظر از تاریخ تأسیس اولین مسجد و به همراه آن اولین کتابخانه که کاملاً مشخص نیست کتابخانه های بلاد شرق در خراسان و ماوراءالنهر قدمت بیشتری دارند و شاید کتابخانه مدرسه احمدبن اسدبن سامان در گذشته به سال ۲۹۵ هجری اولین کتابخانه

شرایط مطالعه و کتابخوانی

شرایط مطالعه کننده

برای اینکه به هنگام مطالعه درک بالایی از خواندن داشته باشیم لازم است شرایط مطالعه را بدانیم که در مطالعه مؤثر است. از روش درست مطالعه و کتابخوانی در ایجاد انگیزه و یادگیری در افراد اهمیت دارد، چرا که نا آشنایی با شیوه های درست مطالعه، سبب خستگی و دلزدگی می شود. براساس نتایج تحقیقات، مردم از روش های درست مطالعه اطلاع زیادی ندارند یا به درستی از این روش استفاده نمی کنند. مطالعه فرآیند پیچیده ای است که در آن خواننده پیام نویسنده را که در قالب کلمات یا تصاویر بیان شده است. به نوعی بازسازی می کند برای اینکه این فرآیند در افراد به بهترین

گونه، شکل گیرد و نیز جذبه و اشتیاق درونی به مطالعه و خواندن را در آنها ایجاد نماید باید هنگام مطالعه، شرایط گوناگونی رعایت شود به برخی از این شرایط اشاره می کنیم:

۱- نیت خالص:

شخصی که مطالعه می کند باید نیت خود را خالص نماید و از آلودگی هایی که به روح او زیان می رساند پاک سازد تا برای نگهداری و فراگرفتن علم و استمرار آن قابلیت پیدا کند. به قول بزرگان پاکیزگی دل برای فراگرفتن دانش مانند آماده بودن زمین است از برای کشت، بذر علم و دانش در زمین دلی که از آلودگی های درونی پاکیزه نشده رشد و بالیدگی ندارد و میوه شیرین و نیکو ندهد و برکت زیاد نکند زیرا مانند کشتی است که در زمین ناپاک روییده شده باشد. ابو محمد سهل بن عبدالله شوشتری (یکی از اکابر عرفا و متکلمین در علوم اخلاص و ریاضیات و از شاگردان ذوالنون بود و به محبت خالد و محمد بن سواد دانی خود رسیده و ۸۰ سال زیسته و عاقبت در سال دویست و هشتاد و سه در گذشت) گفت: دلی که از مکروهات خدا خالی نمی باشد حرام است که نور در او داخل شود و تابندگی نماید.^{۱۰}

۲- هدف از مطالعه:

آمادگی برای مطالعه بیش از هر چیز مرتبط با هدف فرد است اگر بدانید هر کتابی که مطالعه می کنید می تواند در آینده تعیین هدف برای مطالعه و هر کار دیگری می تواند منبع مهمی برای انگیزش باشد برایشان سودمند واقع شود به راحتی از کنار مطالب عبور نخواهد کرد. قبل از اینکه شروع به مطالعه کنید باید هدف خود را از مطالعه کردن مشخص کنید. اینکه از مطالعه یک کتاب یا متن چه هدفی دارید و به دنبال رسیدن به پاسخ چه سؤالاتی هستید. داشتن هدف در مطالعه سبب می شود ذهن جهت پیدا کرده و به دنبال همان چیزی باشد که هدف شماست و در جستجوی آن هستید. این کار قطعاً مطالعه را برای شما لذت بخش تر و البته مؤثرتر خواهد کرد. مشخص بودن هدف قبل از مطالعه همچنین سبب تمرکز حواس شده و جلوی حواس پرتی و هجوم افکار مزاحم را به هنگام مطالعه می گیرد.^{۱۱}

هدف افراد از مطالعه یک کتاب مشترک هم حتی ممکن است متفاوت باشد. به عنوان مثال یک کتاب روانشناسی با موضوع مدیریت خشم وقتی توسط دونفر، با دو دیدگاه مختلف مطالعه می شود نتایج متفاوتی را با خود به همراه خواهد داشت. فردی که کنترلی بر عصبانیت خود نداشته و به دنبال راه چاره برای این مشکل خود است در این کتاب به دنبال راهکارهایی عملی برای مدیریت خشم و غلبه بر آن است و بیشتر به دنبال مواردی است که به موقعیت های شخصی اش نزدیک تر باشد. حال اگر همین کتاب توسط یک مدرس دانشگاه برای تدریس در کلاس مورد مطالعه قرار بگیرد اندکی متفاوت خواهد بود. استاد دانشگاه به هنگام مطالعه کتاب به دنبال مواردی است که با وضعیت فرهنگی آن محیط و دانشجویان تطابق داشته باشد.^{۱۲}

۱۰ محمدباقر، ساعدی خراسانی، آداب تعلیم و تعلم در اسلام، همان، ص ۱۴۵.

۱۱ رضا، حیدری قاسم آبادی، چراغ مطالعه، تهران، ۱۳۹۶، ص ۲۵.

۱۲ همان، ص ۲۷.

الف) خواندن به قصد لذت بردن

هنگام مطالعه آنچه در محدوده هنر می‌گنجد، خواندن به قصد لذت، غلبه دارد. هنر را بیان زیبا و تعالی اندیشه، عواطف و احساسات تعریف کرده‌اند. در خواندن شعر، داستان، نمایش نامه، طنز، فیلم نامه و چنین مواردی لذت حضور فعالی دارد. چون زندگی بدون لذت، لطفی ندارد و بی روح است^{۱۳}.

ب) خواندن به قصد یادگیری

انسان برای تداوم موفقیت آمیز زندگی روزانه اش به مجموعه ای از مهارت ها نیاز دارد. هر چه جامعه ای پیچیده تر شود، بر مجموعه مهارت های لازم برای گذراندن زندگی روزانه نیز افزوده خواهد شد. در گذشته ای نه چندان دور، مهارت های خواندن، نوشتن و حساب کردن، مهارت های اولیه به شمار آمده است؛ اما امروزه بسیاری از مهارت های دیگر ضروری است. از این رو برای افزایش مهارت ها و نهایت زندگی راحت تر، به مطالعه مستمر و افزایش دانسته های خود نیاز دارند.

ج) خواندن به قصد تصمیم گیری بهتر

امروزه برای هر گونه فعالیت و اقدامی، گزینش های متفاوتی وجود دارد و انسان امروزی ناچار است از میان گزینه های متفاوت، فعالیت های مناسب، مطلوب و کم خطری را برگزیند. خواندن به قصد تصمیم گیری بهتر هدف همه فعالیت های آموزشی کشورهایی است که نیروی انسانی را مهم ترین سرمایه می‌داند.

د) خواندن به قصد آگاهی و شناخت

شناخت خود و دنیا با کشتی پرتوان، انسان را به سوی مطالعه می‌کشاند. آدمی می‌خواهد جهان هستی و رمز و راز آن را با سیر مطالعاتی منظم و هدایت شده کشف کند.

یکی از استوارترین انگیزه های مطالعه و کتابخوانی همین است که سرانجام، به رشد و تعالی افراد می‌انجامد. با این حال، قرار دادن افراد اهل مطالعه در گروهی یگانه و یکسان در همه ی عمر، آسان نیست. فردی که روزی انگیزه او در خواندن، لذت بردن است. ممکن است روزی دیگر نیاز به شناخت و آگاهی، وی را به مطالعه و خواندن وا دارد^{۱۴}.

بدین ترتیب مطالعه باید جست و جویی برای هدفی مشخص و کوششی برای افزایش آگاهی و هدف نهائی از آن، کمال جویی و تعالی انسانی باشد. از این رو مطالعه ثمربخش به دو عامل بستگی دارد: یکی علاقه به مطلب خواندنی و دیگری کاربرد ماهرانه فنون مطالعه علاقه به مطلبی خواندنی سبب می‌شود فرد بیشتر مطالعه کند، کاربرد فنون و مهارت های خواندن، مطالعه را آسان تر، سریع تر و لذت بخش تر می‌کند. در نتیجه علاقه خواننده به مطالعه افزایش می‌یابد و سبب می‌شود در زمان کمتری، مطالب بیشتری بخواند. در نتیجه حس خوبی به دست می‌آورد^{۱۵}.

۱۳ محمدحسین، دیانی، "نظرات بنیانی درباره کتاب خوانی" کتابداری و اطلاع رسانی، سال اول، تابستان، ۱۳۷۷، ش ۲، ص ۱۳۱.

۱۴ هوشنگ ابرامی، کتاب و پدیده کم رشدی، تهران مرکز اسناد فرهنگی آسیا، ۱۳۵۹، ص ۹.

۱۵ روش های مطالعه ترجمه علی اکبر، سیف، نوشته کی پی بالدريج، تهران، ص ۱۷.

از این رو اهداف کلی مطالعه را این چنین می توان برشمرد:

(۱) آموختن، افزودن دانستنی ها و دست یابی به حقایق و معارف.

(۲) نقد اندیشه های دیگران

(۳) تقویت افکار و تجدیدنظر تعالی بخش در اندیشه های خود

(۴) عمل به یافته ها و معلومات سودمند و رشد آور

(۵) انتقال حقایق و معارف به حقیقت گرایان و معرفت جوین

(۶) خرسندی خدا و خدمت به خلق خدا

البته مطالعه مقاصدی جزئی مانند آزمون، سرگرمی، رفع نیازهای شغلی و برطرف کردن خستگی و شرکت در همایش نیز دارد. از طرفی، گاه انگیزه های انحرافی و مذموم ممکن است زمینه ساز مطالعه و دانش اندوزی باش. فخر فروشی، جلب توجه دیگران و مقاصد مادی گرایانه از جمله اهداف مطالعه است که در آموزه های اسلامی از آن نهی شده در حدیثی از امام علی (علیه السلام) آمده است:

از علم هر آنچه برایتان پیش می آید، فراگیرید و زنهار که آن را برای چهار کار بیاموزید. برای فخر فروشی بر علماء، ستیزه کردن با جاهلان یا خودنمایی در مجالس یا جلب توجه مردم به خود و ریاست کردن بر آنها^{۱۶}.

۳- آمادگی روحی و معنوی

فرد باید از لحاظ جسمی، عاطفی، عقلی و... رشد کافی کرده باشد تا بتواند به خوبی یاد بگیرد و یادگیری زمانی برایش مفید خواهد بود که هر نظر آمادگی لازم را داشته باشد، او حتی اگر بعضی از جنبه های آمادگی را کسب نکرده باشد، یادگیری برایش خسته آور و کسل کننده خواهد شد و چندان پیشرفتی نخواهد داشت. آمادگی در زمینه های مختلف متفاوت است ممکن است فرد از لحاظ عقلی آماده باشد ولی از نظر عاطفی فاقد احساس مطبوع باشد.

ازجمله این آمادگی ها آمادگی روحی و معنوی است.

نشاط روحی و معنوی از شرایط مهم مطالعه است. مطالعه هنگام کسل بودن و خستگی سبب دلزدگی می شود. بی تردید داشتن روحیه مناسب، علاوه بر تأثیر فهم و درک درست مطلب سبب علاقه مندی به کتاب و کتابخوانی و ایجاد عادت به مطالعه در افراد می شود.

بنابراین بهتر است پیش از آغاز مطالعه، خود را از نظر جسمی و روحی آماده کنیم و با روحیه ای مناسب به مطالعه بپردازیم، بنابراین نقش اساسی کتاب و کتابخوانی و تأثیراتش و الفت جامعه با کتاب و نیز لوازم مربوط به آن در پیشرفت و توسعه جامعه را نباید نادیده گرفت و باید شرایط لازم برای مطالعه از جمله آمادگی روحی را مورد توجه قرار داد تا با روحیه ای مناسب سراغ مطالعه رفت.

۴- سن شروع مطالعه

در تحصیل دانش باید غنیمت شمارد که در هنگام آسودگی و خوشحالی و خردسالی و نیرومندی و خاطر جمع و سلامت حواس و کمی مشاغل و موانع مشغول باشد به ویژه پیش از ارتفاع جاه و معروفی بفضل و دانش زیرا معنی بزرگترین مانع پائیدن کمالات بلکه سبب تام در نقصان و اختلال حواس است. در خبر آمده است: مثل کسی که در خردسالی به تعلم و دانش می پردازد چون نقش بر سنگ است و آنکه در بزرگی بفکر آموختن دانش می افتد چون نقش بر آب.^{۱۷}

از ابن عباس منقول است که گفت: دانشمندی از دانش بهره نبرد جز اینکه در خردسالی به کسب دانش پرداخت و خدای متعال هم بدین موضوع در سوره مریم «وَأَتَيْنَاهُ الْحُكْمَ صَبًا»^{۱۸} اشاره فرمود. اما مسلم است که این موضوع بنابر اقلیت بیان شده و الا شخصی که در بزرگی قدم در صراط دانش می نهد شایسته نیست او را از طلب علم منع نمود زیرا فضل خدا واسع و بخشش او گشاده است و هر گاه محل قابلیت داشته باشد نعمت علم بر او تمام می شود.

منابع

۱- قرآن.

۲- نهج البلاغه.

۳- انصاریان، حسین، ارزش کتاب و کتابخوانی، انتشارات دارالعرفان، قم، سال ۱۳۸۸.

۴- انصاری، عادات کتابخوانی کی و کجا شکل می گیرد، صنعت چاپ، آبان ۷۶.

۵- اصغرنژاد، حسین، بررسی وضعیت کتاب و کتابخانه در ایران، پیام کتابخانه، سال یازدهم، بهار ۱۳۸۰.

۶- القمی، ابن بابویه، امالی، بیروت: مؤسسه الأعلمی، ۱۴۰۰.

۷- امینی، ابراهیم، اسلام و تعلیم و تربیت، تهران، ۱۳۷۲.

۸- ابرامی، هوشنگ، کتاب و پدیده کم رشدی، تهران: انجمن کتابداران ایران، ۱۳۷۹.

۹- بلاذری، فتوح البلدان، قاهره، ۱۹۵۷، ج ۳.

۱۰- برومند، مهدی، شیوه های تعلیم و تعلم در قرآن، ۱۳۷۹، تهران: کتاب مبین.

The place of study in Islam

Zahra Asadi¹

Date of Receipt: 2022/03/15 Date of Issue: 2022/06/21

Abstract

Study is one of the main pillars of human life and survival. Man learns by studying and thinking how to continue his life in the face of adversity and problems. How to make their lives and the lives of themselves and other human beings easier and more prosperous, so studying people in society is beneficial both for the individual and for human society. In the religion of Islam and the word of God, the acquisition of knowledge and, consequently, reading and reading books has a special value and validity. God has been communicated to the people in the form of a book, and in this holy book, the first verses that were revealed to the Prophet (PBUH) are accompanied by the command to read and the words of science and pen. The present study has examined the place of study in Islam. In this research, relying on verses and hadiths, to introduce the correct study methods and to provide solutions in order to promote the culture of developing reading and reading books. In this research, it is shown that in Islam, books and reading as an irreplaceable strategy for The growth and excellence of the individual and society has been considered. This study was conducted in a library method that used library resources to collect its contents. In this research, a systematic method is used. Analyze the narrations and use them to explain the discussion under study.

Keywords

Book, study, science, Quran, Islam, library

1. Master of Educational Sciences.